ورزشی
پرونده
قراردادهای نامتعارف فوتبال

تناقض‌های گفتاری و رفتاری در مقابله با رشد روزافزون رقم قراردادها

ادعا و دیگر هیچ!

مهدی تاج در حالی از قانون سقف قرارداد حرف می‌زند که قراردادهای این فصل نجومی افزایش داشته است

گزارش
دنیا حیدری

زیاده‌خواهی‌ها و بالارفتن رقم قراردادها در فصل مکاره نقل‌وانتقالات داستان تازه‌ای نیست و هرساله شاهد آن هستیم، اما آنچه هر سال باعث تعجب همگان می‌شود، رشد عجیب و غریب این اعداد و ارقام است؛ رقم‌های درشت و فضایی که بسیاری از مردم جامعه حتی تصور نوشتن آن روی کاغذ را هم ندارند، چه رسد به آرزو کردن یا به جیب‌زدنش! رقم‌های هنگفتی که متأسفانه درخواست آن در فوتبال به امری عادی تبدیل شده است!

هنوز فراموش نکرده‌ایم زمانی را که فدراسیون به بهانه کنترل اوضاع، بر عقد قراردادهای چندصدمیلیون تومانی و صدور مجوز پرداخت رقم‌های بالای ۴۰۰-۳۰۰میلیون تومانی به فوتبالیست‌های ملی‌پوش و غیرملی‌پوش مهر تأیید زد و پرداختی‌های نجومی به فوتبالیست‌ها را عادی‌سازی کرد. همانطور که همین چند سال پیش رویانیان پای میلیارد را به رقم قرارداد بازیکنان باز کرد؛ مدیرعاملی که به شکلی عجیب از راهنمایی‌ورانندگی به فوتبال آمد و هزینه‌های هنگفتی بر دوش فوتبال ایران گذاشت و دادن اتومبیل‌های خارجی و گران‌قیمت به بازیکنان را باب کرد، اما در بدبینانه‌ترین حالت ممکن هم تصور نمی‌شد کار این بدعت‌ها به جایی برسد که شاهد درخواست رقم‌های نابورانه‌ای چون ۴۰، ۶۰ و ۸۰میلیارد از سوی فوتبالیست‌ها باشیم، هر چند درخواست‌های نامتعارف تنها از سوی بازیکنان مطرح نمی‌شود و مربیان هم چندسالی است به این جرگه پیوسته‌اند!

چندسال پیش آقایان با ادعای کنترل رقم‌ها پا پیش گذاشتند و به همین بهانه بحث غیرکارشناسانه ملی‌پوش‌بودن یا نبودن بازیکنان را پیش کشیدند اما همین طرح خود باعث بالارفتن ناگهانی رقم قراردادها شد و خواسته فوتبالی جماعت را چنان ارتقا داد که کمتر کسی تصورش را داشت، خصوصاً آنها که فرصت پوشیدن پیراهن تیم‌ملی نصیب‌شان شده بود، حتی اگر این فرصت بسیار اندک بود و بدون هیچ تأثیرگذاری! اما یک تصمیم نادرست و کارشناسی‌نشده باعث بالارفتن و رشد عجیب و غریب رقم قراردادها شد. اما آنچه افزایش بدون متر و معیار قرارداها را درپی داشت، منفعل‌بودن مسئولان امر بود. در واقع با وجود تمام ادعاهای ریز و درشت و ژست‌های به ظاهر جدی آقایان برای مقابله با این زیاده‌خواهی‌ها که باعث گسترش هرچه بیشتر فساد در فوتبال می‌شد، هرگز هیچ برخورد جدی و قاطعانه‌ای صورت نگرفت و همین عدم‌برخورد مسئولان باعث افزایش بی‌سابقه و البته بدون ضابطه قراردادها شده و شرایطی را فراهم کرده است که نه بازیکنان و مربیان برای ارائه ارقام درشت پا پس بکشند و نه مدیران‌عامل باشگاه‌ها از مذاکره و عقد قرارداد با این جماعت زیاده‌خواه! در واقع عدم‌برخورد جدی مسئولان باوجود تمام ادعاهایی که در خصوص مقابله با این فاجعه دارند باعث ایجاد حاشیه امنیت برای بازیکنان و مدیران بی‌کفایت و نالایق فوتبال ایران شده است، خصوصاً بعد از اتفاقاتی که فصل گذشته رخ داد(پس‌دادن امتیازهای کسرشده از تیم متخلفی که تخلفاتش برای عالم و آدم محرز بود) هم مدیران ناکارآمد آخر داستان را می‌دانند و هم بازیکنان زیاده‌خواه. با این حساب اصلاً نمی‌توان تعجب کرد بازیکنی که سال قبل به عقد قراردادی ۱۵میلیاردی رضایت داده است، امسال کف پیشنهادش ۶۰میلیارد تومان باشد و بازیکنی دیگر خواهان رقم ۸۰میلیارد تومانی! باشد چراکه همه خوب می‌دانند فوتبال ایران تا چه اندازه هرکی‌به‌هرکی است و قرار نیست هیچ حساب و کتابی بابت رقم‌های درشتی که از جیب ملت برداشت می‌شود از آنها پس گرفته شود؛ رقم‌هایی که هرسال چندین برابر می‌شود، بی‌آنکه هیچ واکنشی از سوی مسئولان یا نهادهای نظارتی را در پی داشته باشد که اگر داشت، امروز با اعداد و ارقام تخیلی مواجه نمی‌شدیم که حتی در داستان‌های ژول‌ورن هم نمی‌توان نظیرش را دید!

گاهی اما برخی اقدامات و صحبت‌ها این ابهام را به وجود می‌آورد که آیا قصدی برای مقابله با این مقوله هست یا تمام نمایش‌های انجام شده تا به امروز برخلاف ادعاهای مطرح شده نه برای ایجاد مقابله که در جهت ادامه حیات این داستان بوده است، هرچند این موضوع می‌تواند یک نگاه بدبینانه باشد، اما نه وقتی نایب رئیس فدراسیون به عنوان رئیس کارگروه نظارت بر قراردادها، به جای یافتن راهی جهت کنترل یا برخورد، صراحتاً واقعیت موجود را منکر می‌شود؛ «جزئیات پیشنهادهای مطرح شده را نمی‌دانم اما شاید این قراردادها دو ساله باشد که در این صورت رقم اعلام شده به ۲۰ تا ۳۰میلیارد تومان می‌رسد! پس بهتر است زیاد این قبیل اخبار را جدی نگیرید.» حال آنکه واقعیت عیان‌تر از آن است که بتوان با این اظهار نظرها منکر شد، اما تلاش افرادی چون قنبرزاده برای لاپوشانی در این راستا نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند که برعکس علاوه بر سلب اعتماد و بدبین کردن افکار عمومی، این تضمین را به متخلفان می‌دهد که نه فقط برخوردی با آنها صورت نمی‌گیرد که از آنها به طور مستقیم و غیرمستقیم دفاع هم می‌شود. با این اوصاف، چرا باید از پیشنهادهای مطرح‌شده از سوی فوتبالیست‌ها متعجب شد، وقتی مدیران با رفتار مستقیم و مسئولان با گفتار غیرمستقیم خود خواسته‌های ناحق آنها را مشروعیت می‌بخشند! چه با اعمال قوانین من‌درآوردی و غیرکارشناسانه چون سقف قرارداد که رده‌های فرار بسیاری را پیش پای مدیران ناکارآمد و بازیکنان گذاشت و چه با روشی که امروز آقایان در پیش گرفته‌اند (تظاهر به برخوردی که در واقع ماله‌کشیدن روی تخلفات است!)

رویه‌ای که امروز مسئولان فوتبال ایران تحت عنوان برخورد با افزایش بی‌رویه رقم قراردادها در پیش گرفته‌اند، یادآور راهی است که از زمان مطرح شدن قانون سقف قرارداد از سوی مدیران باشگاهی در پیش گرفته شد؛ مدیرانی که مدعی همراهی با مسئولان جهت کاهش خواسته‌های نامتعارف بازیکنان بوده‌اند اما در واقعیت با عقد قراردادهای زیرمیزی، مابه‌التفاوت رقم درخواستی بازیکنان را پرداخت می‌کردند، آن هم به اشکال غیرمتعارفی چون پرداخت ماشین، میلگرد، زمین و خانه.

واقعیت روشن‌تر از آن است که بتوان کتمانش کرد. مسئله توانستن یا نتوانستن نیست. مسئله خواستن یا نخواستن است و آنچه دیده می‌شود، عدم‌تمایل آقایان مسئول برای مهار این اوضاع نابسامان است؛ آقایانی که در ظاهر ادعای مقابله دارند و تلاش برای پایان دادن به این افزایش قیمت نجومی که هیچ پایانی نمی‌توان برای آن متصور شد، اما در واقعیت هیچ گامی که جهت مقابله با این مقوله برنمی‌دارند هیچ بلکه با گفتار و اعمال‌شان این رویه نادرست را به صورت مستقیم و غیرمستقیم حمایت هم می‌کنند. چه با ادعاهایی که قرار نیست هرگز رنگ واقعیت به خود ببینند، چه با پاپس کشیدن از قوانین نصفه‌نیمه‌ای که شاید ایستادن پای آن بتواند حداقل سدی بر سر راه متخلفان و زیاده‌خواهانی باشد که سال‌هاست در حال دوشیدن شیره جان فوتبال و خالی کردن جیب ملت هستند؛ رویه‌ای که جای خشکاندن ریشه فساد در فوتبال ایران، آن را آبیاری می‌کند.

نگاه

فوتبالی که دوستش نداریم

فریدون حسن

روزگاری نه چندان دور فوتبالیست‌ها از مردم بودند. بین مردم، همراه مردم و از اینها مهم‌تر همدرد مردم. فوتبالیست جماعت می‌فهمید نداشتن را، می‌فهمید عرق ریختن برای تأمین معاش یعنی چه، خیلی‌های‌شان همپای تمام مردم کوچه و بازار کار می‌کردند و کنارش ستاره هم بودند و چه ستاره‌های دوست‌داشتنی و محبوبی هم بودند. امروز که گرد پیری بر رخ‌شان نشسته، متوجه می‌شویم چقدر دوست‌داشتنی هستند. اصلاً هم تفاوتی نمی‌کند که آبی باشند یا قرمز، دوست‌شان داریم، چون فوتبال‌شان پولکی نبود، چون با جان و دل بازی می‌کردند.

امروز اما داستان متفاوت است. فصل نقل و انتقالات که فرا می‌رسد، در نگاه مردم کوی و برزن، در نگاه عاشقان و علاقه‌مندان به فوتبال می‌توانید موجی از یأس و ناامیدی را ببینید، می‌توانید نگاه ناامیدانه کارمند و کارگری را که در طوفان مشکلات اقتصادی با حقوق ناچیز سر ماه به سختی روزگار می‌گذرانند وقتی با رقم‌های نجومی قراردادهای فوتبال روبه‌رو می‌شوند را ببینید.

امروز وقتی تصاویر چندش‌آور عریان و نیمه‌عریان بازیکنان میلیاردبگیر فوتبال را در فضای مجازی می‌بینید، متوجه می‌شوید که تفاوت فوتبالیست امروز با فوتبالیست دیروز چیست؛ فوتبالیست‌هایی را که حتی از بیان بی‌حیایی‌های خود هم ابایی ندارند، بگذارید کنار؛ فوتبالیست‌هایی که حجب و حیا داشتند تا متوجه شوید پول مفت چه بلایی سر فوتبال ایران آورده است.

تعجبی ندارد این جماعت زیاده‌خواه سال‌هاست در سایه فساد حاکم بر فوتبال میلیاردی می‌گیرند. تعجبی ندارد که همین حالا رقم قراردادهای‌شان ۳۰۰برابر شده؛ قراردادهایی که به تأیید مدیران فاسد فدراسیون فوتبال هم می‌رسد؛ همان‌هایی که مدعی هستند نمی‌گذارند حتی هزارتومان غیرقانونی جابه‌جا شود! البته راست می‌گویند جلوی هزار تومان سفت و سخت می‌ایستند اما وقتی حرف از سکه و دلار و چندده‌میلیارد به میان می‌آید، همه چیز عوض می‌شود.

فوتبالیست باید هم افسار پاره کند. باید هم از عالم و آدم و تمام مردم طلبکار کارنکرده‌اش باشد، وقتی خیلی راحت حرف از قرارداد ۴۰، ۶۰ و ۸۰ میلیاردی می‌زند و آقایان فاسد فدراسیون هم از بیت‌المال آن را پرداخت می‌کنند. این جماعت وقیح دیگر شباهتی به فوتبالیست‌ها ندارند، اینها زیاده‌خواهانی هستند که آبروی فوتبال و فوتبالیست واقعی را برده‌اند و البته که این وقاحت در حمایت‌های فدراسیون فاسدی شکل گرفته است که از بالا تا پایینش رشوه‌بگیر هستند. این ادعای ما نیست پرونده فسادی که رو شده این را می‌گوید؛ پرونده‌ای که باید تأسف خورد که عاملان و متهمان آن هنوز با خیال راحت در شهر گشت و گذار می‌کنند و به ریش همه می‌خندند.

این اوضاع و احوال فوتبال ماست؛ فوتبالی که ادعای قانونمداری دارد؛ فوتبالی که به صورت مشمئزکننده‌ای فاصله طبقاتی در جامعه ایجاد کرده است؛ فوتبالی که دیگر درد مردم را نمی‌فهمد، از مردم فاصله گرفته، ادعایی برای مردم و شادکردن دل‌شان دارد اما همزمان جیب آنها را هم خالی می‌کند؛ فوتبالی که خیلی تلاش می‌کنیم دوستش داشته باشیم اما پلشتی‌ها، بیت‌المال‌خوری‌ها و فسادش اجازه نمی‌دهند؛ فوتبالی که دیگر دوست‌داشتنی نیست، نه خودش و نه ستاره‌های کاغذی و چندش‌آورش؛ فوتبالی که دیگر از مردم نیست.

نگاه کارشناسان در گفت و گو با «جوان» | شیوا نوروزی

قراردادهای نجومی نشانگر فساد در فوتبال ماست

علی‌اصغر مدیرروستا
پیشکسوت فوتبال

افزایش سرسام‌آور قیمت قراردادهای فوتبال به دلیل فساد برخی مدیران باشگاه‌ها، مربیان، ایجنت‌ها و دلالان است. آنها هستند که هر زمان اراده می‌کنند دستمزدها را افزایش می‌دهند. همه می‌دانند بخش اعظم پول‌های در گردش فوتبال از بیت‌المال است و از جیب مردم هزینه می‌شود، آن هم در حالی که اصلاً برنامه‌ای برای هزینه‌ها وجود ندارد و کسی نمی‌داند این پول‌ها سر از کجا درمی‌آورند. این چالش در سال‌های اخیر شدت پیدا کرده است و بارها دیده‌ایم رقم قرارداد یک بازیکن بسیار معمولی چند برابر می‌شود و قرارداد چندین‌میلیاردی می‌بندند. باز هم تأکید می‌کنم با توجه به شرایط اقتصادی کشور و مردم و وضعیت فوتبال ایران از نظر کیفی، فنی و مالی، بازیکنان درجه یک‌مان بیشتر از ۱۰میلیارد تومان نمی‌ارزند! مابقی باید دستمزدی کمتر از این مبلغ دریافت کنند، ولی متأسفانه در شرایط فعلی ۱۰میلیارد کف قیمت‌ها نیز نیست و هر کسی هر چقدر می‌تواند رقم را بالا می‌برد. از هر کارشناس و مربی هم که بپرسید این موضوع را تأیید می‌کنند چراکه آنها شرایط روز فوتبال‌مان و بازیکنان‌مان را به خوبی می‌دانند. قطعاً ارزش‌گذاری آنها نیز برای نسل فعلی بازیکنان لیگ‌برتری بیشتر از ۱۰میلیارد نخواهد بود. از هر نظر حساب کنید هیچ بازیکنی در حد و اندازه دریافت ۶۰-۵۰میلیارد تومان نیست. شاید همین بازیکنان بتوانند در لیگ‌های کشورهای اطراف یا اروپایی یک یا ۲میلیون دلار دریافت کنند اما لیگ ما کشش چنین ارقامی را ندارد. دلالان سودجو، مدیران و مربیان فاسد عامل به وجود آمدن این شرایط هستند و آنها هستند که دستمزدها را هر روز نجومی‌تر از قبل می‌کنند. دلالان و ایجنت‌ها تأثیر مستقیمی در تصمیمات مدیران دارند و حتی از برخی هواداران پرنفوذ در باشگاه‌ها نیز استفاده می‌کنند. این مسائل است که نقل و انتقال بازیکنان از یک تیم به تیم دیگر را رقم می‌زنند. دوسه تیم اول‌مان باید در لیگ نخبگان حضور پیدا کنند و با حریفان سرسخت بجنگند، در حالی که چند دهه است در آسیا قهرمان نشده‌ایم، به همین خاطر است که معتقدم قهرمانی در لیگ‌برتر ایران اصلاً نیازی به این هزینه‌های هنگفت و ریخت‌وپاش‌ها ندارد. چشم‌وهم‌چشمی رقبا و تیم‌های مدعی و همچنین نقش مثلث دلال، مربی و مدیر است که به ثبت قراردادهای چندین‌میلیاردی ختم می‌شود. همه این افراد هم از این قراردادهای نجومی سود می‌برند و قاعدتاً هیچ‌کس هم از سود و منفعت بدش نمی‌آید، منتها مشکل این است که هیچ دستگاه نظارتی برای رسیدگی به این حجم از افزایش نجومی دستمزدها وجود ندارد. اگر دستگاه نظارتی در فوتبال وجود داشت، اوضاع به اینجا کشیده نمی‌شود. همین الان چند باشگاه از جمله مس‌رفسنجان درگیر پرونده فساد هستند و فکر می‌کنم در صورت تداوم بررسی موضوع، پای اکثر باشگاه‌ها به این پرونده باز خواهد شد. رئیس فدراسیون باید خط‌مشی فوتبال را تعیین کند و از باشگاه‌ها بخواهد قوانینی چون کنترل قیمت‌ها، استفاده از بازیکنان جوان و رده‌های پایه را در برنامه خود قرار دهند. اینکه فلان تیم بهانه می‌آورد که می‌خواهد قهرمان شود و بازیکنان گران را یک‌جا جمع می‌کند، قطعاً تأثیری ندارد. در سطح آسیا که به جایی نرسیده‌ایم و سطح فوتبال داخلی‌مان نیز که مشخص است. همانطور که بزرگان فوتبال بارها تأکید کرده‌اند، می‌گویم برای نجات فوتبال ابتدا رئیس فدراسیون است که باید بخواهد و همت کند. در این صورت فوتبال ایران را باید دوسه سال تعطیل کنیم تا کار از پایه درست شود و رشد کند و به جایگاه واقعی‌مان بازگردیم. صرف اجرای سقف بودجه و قرارداد نمی‌تواند کمکی به وضعیت موجود کند. تا قبل از این هم قوانین را با زیرمیزی، آپشن و پرداخت‌های غیرنقدی دور زده‌اند. اگر قرار است قانونی اجرا شود، باید دستگاه نظارتی باشد و واقعاً نظارت کند. اگر تیم‌ها صنعتی هستند مجموعه‌شان قطعاً بخش حراست دارد و حتی قوه‌قضائیه می‌تواند روی این بحث مهم نظارت کند، وگرنه آن مثلث تأثیرگذار فوتبال ایران تا زمانی که حضور دارد قانون را راحت دور می‌زند. صرف تصویب و اجرای یک قانون مؤثر نخواهد بود و نیازمند نظارت بر عملکرد و برخورد قاطع با قانون‌گریزان است. هر تیمی که تخلف کرد به دسته پایین تبعید شود. تاکنون که

بحث مبارزه با فساد در فوتبال به جایی نرسیده است و امیدواریم یک‌بار برای همیشه این فساد ریشه‌کن شود یا لااقل کاهش یابد. هیچ بازیکنی از پول بدش نمی‌آید، البته که دلالان در بازارگرمی و افزایش قیمت‌ها نقش مستقیم دارند. معتقدم مدیران باشگاه‌ها باید باهم متحد شوند و بازیکنی را که برای بالابردن نرخ بازارگرمی می‌کند به خدمت نگیرند، بعد ببینید شرایط چطور می‌شود. این ضعف مدیریت فوتبال است که به خاطر دست‌داشتن در فساد نرخ‌ها چند برابر می‌شود. اگر افراد سالم فوتبال که اکثراً خانه‌نشین هستند در رأس کار بودند، وضع اینگونه نبود.

تعامل باشگاه‌ها مانع بازارگرمی فوتبالیست‌ها می‌شود

محمود کلهر
کارشناس فوتبال

فوتبال اصول خودش را دارد و هر بازیکنی که کیفیت بالاتری دارد، می‌تواند دستمزد بیشتری نیز دریافت کند، ولی در حقیقت فوتبال ما با همه دنیا متفاوت است و اصلاً چنین مسائلی مدنظر قرار نمی‌گیرد. بی‌دروپیکربودن این رشته و غیبت مدیران کارآمد در باشگاه‌ها باعث شده است وضعیت از حالت عادی خارج و قراردادها نجومی شود. ای کاش این اتفاق بیفتد و باشگاه‌ها بیش از پیش باهم در تعامل باشند. در این صورت بازیکنان نمی‌توانند هرچقدر خواستند مبلغ قراردادشان را بی‌رویه افزایش دهند. اگر اینطور باشد و بازیکنی رقمی غیرمعقول درخواست کرد، باشگاه دیگر برای جذب آن بازیکن رقم بالاتر پیشنهاد ندهد. در صورتی که همه باشگاه‌ها دست به دست هم دهند و این تعامل را داشته باشند، قطعاً بسیاری از مشکلات حل خواهد شد. الان یک تیم می‌گوید چند میلیارد می‌دهم و باشگاه دیگر بلافاصله رقم بالاتری اعلام می‌کند. این رقابت سالم نیست بلکه باعث خراب‌کردن فوتبال ایران می‌شود. درحالی که باشگاه‌ها باید با یکدیگر همکاری لازم را داشته باشند تا بازیکن هم نتواند به راحتی بازارگرمی کند. بالابردن دستمزدها به ضرر بسیاری از بازیکنان جوان تمام می‌شود. بازیکنان بااستعداد زیاد داریم و شاید از دل همین‌ها ستاره‌های زیادی کشف شوند. باشگاه‌ها باید برای خرید بازیکن برنامه داشته باشند و بازیکنان باکیفیت را مدنظر قرار دهند. همچنین باشگاه‌ها نمی‌توانند و نباید بی‌گدار به آب بزنند و بی‌حساب و کتاب خرج کنند بلکه باید سقفی را بابت بودجه نقل و انتقالات تعیین کنند. این سقف بودجه ابتدا باید برای پنج‌شش بازیکن باکیفیت خرج شود و الباقی آن را می‌توان صرف خرید و سرمایه‌گذاری روی بازیکنان جوان کرد. مسابقات یورو۲۰۲۴ را ببینید. سهم بازیکنان جوان در تیم‌های ملی مشخص است، بازیکنان ۱۷،۱۶ساله فیکس تیم‌های خود هستند و اتفاقاً خوب هم بازی می‌کنند. ما هم باید از آنها الگو بگیریم، حتی اگر تیم‌مان قهرمان نشود ولی در عوض آینده‌نگری کرده‌ایم. تا زمانی که بودجه باشگاه‌ها مشخص نشود، خبری از مدیریت و برنامه‌ریزی نیست. سقف بودجه شامل خرید بازیکن، مربی و عوامل تیم است. باید این مسائل مشخص باشد. همه بازیکنان نمی‌توانند انتظار دریافت دستمزد بالا داشته باشند. مهدی طارمی لژیونر فوتبال ایران است و در سطح اول فوتبال دنیا بازی می‌کند، طبعاً رقم قراردادش بالاست و فوتبالیست‌های جوان باید برای رسیدن به این جایگاه انگیزه داشته باشند، منتها در لیگ شرایط برعکس شده است؛ بازیکن باکیفیت از بازیکن بی‌کیفیت دریافتی کمتری دارد! این رفتارها و تصمیمات غیرحرفه‌ای به فوتبال ایران لطمات زیادی زده است. فساد در فوتبال ایران بسیار زیاد است و دلالان مسبب آن هستند. مدیران ما باید با این فساد مبارزه کنند. این دلالان هستند که فوتبال ایران را به هم‌ریخته‌اند، آنها هستند که با مدیران باشگاه‌ها و رسانه‌ها زدوبند می‌کنند. اگر جلوی این مسئله گرفته شود، فوتبال‌مان هم سروسامان خواهد گرفت. تا وقتی سیستم مدیریتی دقیقی در فدراسیون حاکم نشود، دورزدن قوانین از جمله سقف بودجه و قراردادها کار سختی نخواهد بود. بخشی از دستمزدها را به صورت زیرمیزی، ماشین و چیزهای دیگر به دست بازیکن می‌رسانند. مدیرانی باید سرکار بیایند که به رشد و پیشرفت فوتبال کمک کنند نه رشد هزینه‌ها. درست هزینه‌کردن یکی از فاکتورهای مهم فوتبال روز دنیاست. مگر فوتبال ما چند بازیکن سطح بالا دارد؟ اکثریت در یک سطح هستند. برخی بازیکنان جوان از بازیکنان اسمی لیگ‌برتر بهتر هستند اما دلالان رقم لیگ‌برتری‌ها را افزایش می‌دهند و همزمان سود دلالان هم بالاتر می‌رود. اگر باشگاه‌ها درست مدیریت شوند و پشتوانه‌سازی خوبی داشته باشند، هیچ وقت به بازیکنی که خیلی بازارگرمی می‌کند، نیاز پیدا نمی‌کند. کشور ما پر از استعداد است و هر شهری برویم می‌توانیم بازیکن تأثیرگذار پیدا کنیم، ولی کشف آنها نیازمند وقت و سرمایه‌گذاری است. تجربه ثابت کرده است پول و هزینه‌هنگفت، ضمانتی برای موفقیت تیم‌ها نیست. گل‌گهر با آن همه ریخت‌وپاش مگر موفق شد؟ یا در گذشته تیم استیل‌آذین به جایی رسید؟ تجربه تلخ گذشته می‌تواند الگویی برای مدیران فعلی باشگاه‌ها باشد تا همه چیز را صرف خرید بازیکن نکنند. فصل ۹۱-۹۰در تیم راه‌آهن

حضور داشتم، سال اول ۲۸میلیارد برای تیم هزینه شد اما سال دوم از بازیکنان آکادمی استفاده کردیم و کل هزینه به ۱۴میلیارد کاهش یافت. آن زمان بازیکنی را با قرارداد ۲میلیارد تومانی آورده بودند که کلاً نیمکت‌نشین بود. استفاده از بازیکنان جوان به نفع خیلی‌ها شد. بازیکنانی چون علی علیپور رشد کردند و بالا آمدند. هزینه‌های تیم که کاهش یافت، کیفیت تیم بالا رفت. در واقع تیمی که در حال سقوط بود با جوانانش در لیگ باقی ماند. علیپور بعداً با قیمت ۱/۵میلیون دلار به پرتغال ترانسفر شد. از این دست بازیکنان زیاد داریم ولی متأسفانه مدیران باشگاه‌ها فقط دنبال هزینه‌کردن هستند.